

خانواده نیکوکار اهل دریادل

بادل‌های دریایی شان سیسمونی درست می‌کنند

خانه امید نوما درها

۳



عکس، تهیه فرخی/شهرآرا

منطقه ثامن، پیشرو در خدمت‌رسانی

در ارزیابی عملکرد ادارات خدمات شهری و فضای سبز مناطق سیزده‌گانه شهرداری مشهد که توسط معاونت محیط زیست و خدمات شهری انجام گرفت، منطقه ثامن موفق شد رتبه نخست را در سه ماهه دوم سال ۱۴۰۴ کسب کند. به گفته شهردار منطقه ثامن، این ارزیابی با هدف سنجش کیفیت خدمات و میزان انطباق با استانداردهای محیط زیستی است که منطقه ثامن با عملکردی منسجم، دقیق و مبتنی بر اصول توسعه پایدار، توانست در چهار محور کلیدی، امتیاز برتر را از آن خود کند. حسین عبدل...زاده با اشاره به چهار محور ارزیابی افزود: محیط زیست، سامان دهی مشاغل، خدمات شهری و فضای سبز، محورهایی بود که همکاران ما با برنامه ریزی دقیق، توانسته‌اند الگویی از مدیریت شهری کارآمد را به نمایش بگذارند.



شهر خبر



۳ با پیگیری شهرآرامحله یکی از مصوبات شورای اجتماعی محله بالاخیابان اجرا شد
هموارسازی موقت پیاده‌رو رضوان، با پله

۴ لای روبی کانال‌های آب با پیگیری شهرآرامحله و همت اداره خدمات شهری
نفس «فلکه آب» باز شد

با پیگیری شهرآرامحله یکی از مصوبات شورای اجتماعی محله بالاخیابان اجرا شد

هموارسازی موقت پیاده‌رو رضوان، با پله

هم قدم

بالاخیابان است که بارها پیگیر هموارشدن این مسیر بوده است. او می‌گوید: خانه مادر رضوان ۵ است. از مسیر پیاده روی پایین هم می‌توانیم رد شویم، اما پس از باز شدن بولوار رضوان، سه ماه تابستان اینجا قلوه سنگ‌های بزرگ ریخته بود و نمی‌توانستیم از همین پایین هم تردد کنیم: پیاده رویی که هفته گذشته آن را با آسفالت صاف کردند.

مرجانی ادامه می‌دهد: معمولاً پیاده‌روها با سنگ فرش یا موزاییک درست می‌شود. ریختن قیر یعنی این پیاده‌رو موقتی است. ما از طولانی شدن پروژه خسته شده ایم و می‌خواهیم بدانیم ساخت و ساز تقاطع کی تمام می‌شود. تمام شدن یعنی ساخت کامل پیاده‌رو و آیلند و اطراف تقاطع!

احداث تقاطع می‌گوید: فاصله تقاطع تارضوان ۵ با نرده بسته شده و مدت‌ها بود که مسیر ورود نداشتیم. حتی مسیر ورودی از سمت کلانتری شهید آستانه پرست را که در ابتدای بولوار رضوان قرار دارد، با بلوکه‌های بزرگ بسته بودند. تنها راهی که برایمان باز گذاشته بودند، یک راه ریزیک بین بلوک‌ها بود که از زمین ارتفاع زیادی داشت و رفتن از آن برای خانم‌ها یا افراد مسن سخت بود. منور ایزدی به مسیری که اکنون به صورت پلکانی درست شده است، اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: سه ماه است که درخواست داده ایم این مسیر را باز کنند. در نهایت فاصله بین بلوک‌ها را زیاد کرده اند و پله گذاشته اند. درست است که حالا عابر پیاده می‌تواند راحت‌تر از اینجا رد شود، اما برای افرادی که با ویلچر، واکر یا کالسکه هستند، فکری نکرده اند.

نجمه موسوی کاهانی ابتدای تابستان امسال، قفل بولوار رضوان که شش سال معطل تملک چند باب مغازه مانده بود، باز شد و اهالی بالاخیابان به سامان یافتن تقاطع شهید کاشانی با این بولوار امیدوار شدند. در گزارشی که هفتم تیرماه چاپ کردیم، حامد آتشی، رئیس امور حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۳، قول داد که مسیر در مدت کمتر از یک ماه به بهره‌برداری برسد. در ظاهر همین اتفاق افتاد و در کمتر از ۱۰ روز تردد خودروها با نصب چراغ راهنمایی و رانندگی به راحتی امکان پذیر شد. اما پروژه در برخی بخش‌ها مانند احداث پیاده‌رو و آیلند میانی دچار توقف چند ماهه شد.

● مسیر باز است، اما مناسب نیست

با توجه به اینکه پیاده‌رو بولوار رضوان در سمت شماره‌های فرد، اختلاف ارتفاع دارد و برای ایمنی مردم با نرده گذاری جدا شده است، تا هفته گذشته پیش از آنکه بخشی از مسیر درست شود، تردد بسیار سخت بود. سامان یافتن پیاده‌رو ابتدای بولوار رضوان به عنوان یکی از مطالبات اصلی شورای اجتماعی محله بالاخیابان در همه جلسات مطرح می‌شد؛ پیاده‌روی که بولوار شهید کاشانی را به ورودی کوچه‌های رضوان در سمت شماره‌های فرد متصل می‌کرد.

هفته گذشته به دنبال پیگیری‌های شهرآرامحله از اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ۳، پیاده‌رو آسفالت و پله‌هایی برای دسترسی به مسیر کوچه‌های رضوان یک، ۳ و ۵ ایجاد شد. ایجاد دسترسی حس رضایت‌مندی نسبی را ایجاد کرده است، اما سوالاتی هم مطرح می‌شود. یکی از اعضای شورای اجتماعی محله درباره اجرای نیمه‌کاره

● تکمیل پروژه به شرط رسیدن اعتبار

رئیس اداره فنی و عمران شهرداری منطقه ۳ با اشاره به اینکه هموارسازی پیاده‌رو رضوان مطالبه مردمی بوده است، می‌گوید: تکمیل پروژه رضوان زمان‌بر است، اما به دلیل اینکه مسیر مردم ناهموار بود و تردد سخت، به صورت موقت مسیر را مسطح کردیم. سید محمد حسین باغدار حسینی ادامه می‌دهد: برای تکمیل پروژه تقاطع رضوان و شهید کاشانی ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان اعتبار لازم است که تأیید شده و منتظر دریافت بودجه هستیم. در پروژه مسیر مناسب توان یابان در نظر گرفته شده است و این پیاده‌رو نیز مانند پیاده‌روهای مجاور به صورت یکدست تایل می‌شود.

باغدار با اشاره به اینکه به محض رسیدن اعتبار، پروژه ظرف یک ماه تکمیل می‌شود، می‌افزاید: تلاش می‌کنیم تا پایان سال اعتبار را دریافت و پروژه را تکمیل کنیم.

● ساخت تقاطع کی تمام می‌شود؟

سید مهدی مرجانی یکی دیگر از اعضای شورای اجتماعی محله



دختران دبستان امام حسین (ع) در محله بالاخیابان به یاد شهید جنگ دوازده روزه جشن گرفتند

گرامیداشت روز دانش آموز در کنار دختران شهید میثمی

● وقتی پدرم شهید شد...

لحظات احساسی برنامه زمانی رقم می‌خورد که از پدر و همسر شهید مرتضی میثمی دعوت می‌شود تا برای دختران دبستانی صحبت کنند. پدر شهید از ویژگی‌های پسرش برای بچه‌ها می‌گوید و علاقه‌اش به حضرت علی اکبر (ع) هانیه، دختر بزرگ شهید، از خاطراتش با پدر می‌گوید: وقتی پدرم شهید شد، از رفتار عمومی فهمیدم. او برای رعایت حال ما، می‌گفت یکی از همکارانم که دو دختر دارد، شهید شده است.

او خاطرش می‌آید روزی که پدرش به مدرسه آمده بود: یک بار برای دادن رضایت‌نامه که بتوانم در اردو شرکت کنم، بابایم به مدرسه آمد. در صف ایستاده بودم که من را بغل کرد و گفت درس هایت را خوب بخوان بابا.

● فرشته‌ها پولشان تمام شده!

خواهر کوچک ترش، ریحانه که کلاس اولی است، با صدایی کودکانه، شیرین‌ترین خاطرات خود را تعریف می‌کند: یک بار رفته بودیم شمال. حوصله‌ام سر رفته بود. بابا من را برد پارک. وقتی تاب و سرسره سوار می‌شدم، قلقلکم می‌داد. یک بار هم با هم فوتبال بازی می‌کردیم. من را بغل و توپ را گل می‌کرد. هانیه خاطره دیگری از پدرش را به یاد می‌آورد و با هیجان تعریف می‌کند: هر سال عید، بابایم می‌گفت فرشته‌های مهربان برای بچه‌ها هدیه می‌خرند و وزیر بالشتشان می‌گذارند. یک سال هر چه خانه را گشتم، هدیه‌ای پیدا نکردم. به بابایم گفتم چرا فرشته‌ها هدیه نیاورده‌اند؟ بابا گفت فرشته‌ها

شاهین دانش آموزان شعبه ۳ دبستان دخترانه امام حسین (ع) در خیابان شهید کامیاب، در صف‌های مرتب در نمازخانه مدرسه شان نشسته‌اند. مجری برنامه سر شوخی را با آن‌ها باز کرده است و می‌گوید: «خوش به حالتان که چند ساعتی از درس و کلاس خبری نیست!»

دختران با هیجان در انتظار شروع برنامه اند تا امسال هم خاطره‌ای تازه از روز دانش آموز برایشان ساخته شود. به میج‌هایشان پارچه‌هایی با عنوان «یا زهر» (۳) بسته اند و هر کدام یک پرچم ایران در دست دارند. فضا ترکیبی از شور کودکان و احترام به شهید است. اما محور اصلی برنامه، تجلیل از دو دانش آموز ویژه است: فرزندان سرهنگ شهید مرتضی میثمی، دانش آموزان پایه اول و پنجم مدرسه که پدرشان از شهیدای جنگ دوازده روزه است.

● به خاطر شما دانش آموزان خوب

حجت الاسلام والمسلمین حسنعلی اخلاقی، نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، حسین عبدا...زاده، شهردار منطقه ۳، و مجید شعبانف، مسئول سازمان بسیج دانش آموزی استان، در برنامه حضور دارند. حجت الاسلام والمسلمین اخلاقی بالحنی نرم به دختران می‌گوید: روز سیزدهم آبان یادآور رشادت نوجوانانی است که در برابر رژیم آمریکا ایستادند و به شهادت رسیدند. کشور ما به خاطر داشتن دانش آموزان خوبی مثل شما به خود می‌بالد.



عیدگاه

پولشان تمام شده است و نتوانسته‌اند هدیه بخرند. آن روز فهمیدم همه هدیه‌های قبلی را هم بابایم می‌خریده است.

● بزرگ‌ترین دارایی در راه امنیت ما

هم‌کلاسی‌های این دو خواهر هم احساس خود را از فداکاری‌های شهید بیان می‌کنند. رستاسپهری، دانش آموز پایه پنجم، می‌گوید: آدم‌های کمی درد دنیا حاضرند مثل شهید فداکاری کنند. اما در ایران خیلی هاجان‌شان را برای وطن می‌دهند. من هم دوست دارم شهید شوم. ریحانه شفا، دیگر دانش آموز دبستان امام حسین (ع)، از وظیفه‌اش در برابر فرزندان شهید می‌گوید:



اجرای مراسم را با اسکن این کد ببینید.

وظیفه ما ست یاد دختران شهید با مهربانی رفتار کنیم و اگر مشکلی داشتند، به آن‌ها کمک کنیم. چون آن‌ها بزرگ‌ترین دارایی‌شان را در راه امنیت ما از دست داده‌اند.

این مراسم با تجلیل از خانواده شهید میثمی به پایان رسید: روزی که در یاد همه حاضران با شادی و غرور ملی ماندگار شد.



نجمه موسوی کاهانی از وقتی ننه پارچه های تترون را با و جب انداز می زد و می برید، مادر آن ها را سر هم می کرد و می دوخت، زهره هم سیستمونی درست کردن را یاد گرفت تا آن که او جای ننه را گرفته و هر سال چند دست کالسکه و رختخواب و لباس های رنگارنگ بازاری را تهیه می کنند و می فرستند خانه زوج های جوانی که با هزار امید بچه داری می شوند. اما توان خرید و وسایل اولیه نوزادشان را ندارند. پس از این همه سال نسل به نسل سیستمونی درست کردن، خانه شان در خیابان هاتف محله بالا خیابان شناخته شده است و هر کدام از همسایه ها و اقوام که وسیله ای به درد بخور برای کودک دارند، زنگ در این خانه را به صدا در می آورند. از آنجا که یک دست صد ندارد، اقوام و دوستان هروقت که لازم باشد، به کمک می آیند و با هم بستگی ایجاد شده، خبریه خانوادگی آن ها علاوه بر تهیه سیستمونی، بامدیریت زهره ایرانمنش تأمین بسته های معیشتی و نذر گوشت و مرغ را هم برای پنجاه خانواده نیازمند عهده دار شده است.

خانواده نیکوکار اهل دریادل

بادل های دریایی شان سیستمونی درست می کنند

خانه امید نومادرها

۲

باز من را در این راه نگه می داری؟

زهره خانم به مادرش نگاه می کند و با خنده ای معنا دار می گوید: مادر بزرگم اهل نوغان بود و با افتخار می گفت «ما از نسل زنانی هستیم که قباله هایمان را به خاطر امام رضا (ع) بخشیدیم». مادر ما اهل دریادل است و از وقتی یادم می آید، خانه مان در هاتف بود. اهالی دریادل دل هایشان دریایی است و مادر من هم مانند مادرش همه هم و غمش مشکلات مردم است؛ این قدر که گاهی من و خواهرهایم، فرشته و نسیرین، خسته می شویم و اعتراض می کنیم، تلنار شدن این همه وسیله که باید دانه به دانه آن ها را جدا کنیم و ببینیم مناسب چه افرادی است، گاهی طاقت فرساست. با حوصله لباس ها و وسایل نورانی می گذاریم برای سیستمونی و لباس هایی که استفاده شده اند، برای بچه های بزرگ تر می فرستیم، تکه کردن گوشت قربانی و مرغ که در کنار بسته های ماهیانه می گذاریم، چند روز و قتمان را می گیرد. مرتب کردن خانه پس از تمام شدن بسته بندی، خودش کلی زمان می برد.

با خنده ادامه می دهد: مادرم گاهی حاج خانم های مسن همسایه را می آورد اینجائات آن ها را احرام ببرم. بعد می گوید: «ثواب دارد مادر جان»، اما هروقت از جور نشدن وسایل و سنگینی کار خسته می شوم و می خواهم این مسئولیت را کنار بگذارم، یک بسته لباس نو می رسد یا خبری یک رقم درخور توجه کمک می کند که روبه خدایم کنم و می گویم: «دورت بگردم، باز روزی مردم را از این طریق می رسانی و کاری می کنی که من را در این راه نگه داری؟»

۱

سوی چشماتم از برکت کار خیر است

از راه پله گرفته تا اتاق طبقه بالا که انباری و وسایل خیره شان شده، لباس و اسباب بازی و عروسک چیده شده است؛ وسایلی که باید سر حوصله باز شوند، شسته و تمیز و مرتب، همراه وسایلی که برای تکمیل سیستمونی خریده شده اند، بسته بندی و به خانواده هایی که منتظر تولد نوزادشان هستند، تحویل داده شوند. طبقه پایین زهره خانم زندگی می کند و بالا مادرش، زهره عصار، همیشه خانه شان برویاست. هر چند هفته یک ملحفه سفید بزرگ وسط هال خانه زهره خانم پهن می کنند و با کمک نوه ها، جعبه ها و پلاستیک های یکی یکی از انباری بیرون می آیند. زهره خانم می گوید: ماما بزرگم خیاط و جیبی بودند. تترون ها را برش می زدند و ماما من می دوختند. از جلیقه نوزادی تا قنداق را برای سیستمونی آماده می کردند. حتی فکر روغن زرد و زیره و نبات بعد از زایمان را هم می کردند و یک سیستمونی تمام عیار تحویل می دادند.

به وسایلی که دور خانه مادرش پهن شده است، نگاهی می اندازد و ادامه می دهد: الان وسایل مدل به مدل شده و تکه هایی که باید تهیه کنیم، زیاد شده است. البته بستگی دارد در مدتی که مشغول تهیه سیستمونی هستیم، چقدر کمک برسد. زهره خانم با یک سینی چای از آشپزخانه بیرون می آید و می گوید: قدیم هر چه از دستمان برمی آمد می دوختیم و می بافیم. حتی چادر زنگی کوچک هم برای بچه های گداشته می گذاشتیم.

با چشم هایی که سوی زیادی از آن ها نمانده است، به لباس های بافتنی کوچک نگاه می کند و ادامه می دهد: با کلاف های کوچکی که مردم می آورند، کلاه و شلوار و لباس نوزادی با فم تامادری که در زمستان زایمان می کنند، بتواند فرزندش را گرم نگه دارد. مادر جان! از برکت همین کارها بوده که همین سوی کم هم به چشماتم مانده است.

۳

کارهای خانوادگی موفق تر است

یکی از دلایل موفقیت زهره خانم که حالا خودش مادر بزرگ است و سه نوه دارد، همکاری اقوام و فامیلی است که نه به اندازه قدیم، اما هنوز به صله رحم پایبند هستند و از احوال هم باخبرند. یک گروه خانوادگی دارند و هر ماه رقمی را به حساب زهره خانم واریز می کنند تا بسته های خواربار ماهیانه پروپیمان تر شود. دختر و نوه عمه هایش، معصومه مهرجویی، آرزو کلاهدوز و عطیه صلواتی زاده، بازوهای اصلی کارهایی هستند که نیاز به انرژی جوانی و پای باز رفتن دارد. تا تلفن به دست می گیرد و می گوید که نیاز به کمک دارد، آرزو خودش را می رساند. آرزو می گوید: خرید با ماست، چون حوصله داریم که ساعت هادر بازار وقت بگذاریم و جنس با کیفیت را با قیمت مناسب پیدا کنیم.

۴

همسایه هایی که اهل خیرند

هنگام باز کردن جعبه ها و پلاستیک ها همسایه ای زنگ در را می زند تا بسته های لباس و مبلغ نقدی را تحویل بدهد که متوجه می شود موقع چیدن سیستمونی هاست. لیلا جعفری با ذوق پله ها را بالا می آید و می گوید: از بیست سال قبل که مابه این محله آمدیم، متوجه شدیم که خانواده ایرانمنش واسطه خیری می شوند و هر سال چند دست سیستمونی آماده می کنند و هدیه می دهند به مادران جوان که امیدشان فقط به خداست.

زهره خانم در حالی که لباس ها و وسایل دخترانه و پسرانه را برای دو سیستمونی مجزا تفکیک می کند، می گوید: بعد از فامیل، همسایه ها هستند که خیلی به ما کمک می کنند. خانم قائمی، رضوی، شادمان، خراشادی و خیلی های دیگر خودشان یک خبریه کامل هستند که هر کدام در زمینه ای مشغول اند. یکی جهاز درست می کند و دیگری در کار پخت غذا برای ایتم است. زنجیره ای که بین همسایه ها وجود دارد، حمایت از خانواده های نیازمند را تقویت می کند.

۵

حمایتگر اصلی همسر من است

حاج خانم نگران خانه و زندگی زهره خانم است و می گوید: جواد آقا خیلی به زهره کمک می کند تا بتواند بسته های معیشتی را کامل تر تدارک ببیند. تا مرد با همسرش همراه نباشد، زن نمی تواند بار آماش به مشکلات دیگران بپردازد. زهره خانم می گوید: همسر اولم، سید کاظم کمالی سرشت، سال ۱۳۶۵ شهید شد و پسرم حمید را به یادگار گذاشت. سال ۱۳۸۷ با سید جواد سقایی رضوی ازدواج کردم و نازنین زهره شیرینی زندگی مان شد. خانواده همسر من هم مانند پدر بزرگ و مادر بزرگم اهل کار خیر بودند و کمک به دیگران برای او جزئی از زندگی است.

او تعریف می کند: در مراسم فوت اقوام یا نذری دادن ها، جواد آقا پیشنهاد می دهد به جای نصب بنر، خیرات کنیم. یک نانوا بی درمهرگان و یکی هم در محله پنج تن است که با ما همکاری می کنند و جمعه ها نان را ایگان توزیع می کنند.

ماخانه ای را که خانه امید خیلی از نومادرهاست، ترک می کنیم. اما وسایل در تادور خانه هستند و چند روزی قرار است خانواده زهره خانم را به خود مشغول کنند. باید کم و کاستی ها را بخرد و سیستمونی ها به خانه نوزادانی برونده که قرار است در چند ماه آینده پایه این دنیا بگذارند.





مجلات منطقه‌ها

بالا خیابان، پایین خیابان

لای روبی کانال‌های آب با پیگیری شهرآرامحله و همت اداره خدمات شهری

نفس «فلکه آب» باز شد

باز خورد



نجمه موسوی کاهانی ادر گزارشی که ششم شهریور امسال به دنبال تماس‌های مکرر کسبه خیابان اندرزگو مبنی بر پیچیدن بوی بد در این خیابان چاپ کردیم. متوجه شدیم که منشأ اصلی بوی نامطبوعی که فضای خیابان اندرزگو تا فلکه آب را پر کرده، کانال آب است. کانال‌هایی که به دلیل بی‌احتیاطی چند پیمانکار با شیرابه‌های بتن ناهمسطح شده‌اند و نیاز به اصلاح هندسی و زیرسازی دارند و از طرفی به دلیل همپن ناهمسطح بودن و بی‌توجهی برخی کسبه، تازمانی که اعتبار اصلاح زیرسازی تخصیص داده شود، باید کانال‌ها به صورت مستمر لای روبی شود تا بوی بدره‌گذاران و کاسبان را آزار ندهد.

با پیگیری شهرآرامحله و همت اداره خدمات شهری شهرداری منطقه ثامن مدتی است لای روبی کانال‌ها با فواصل زمانی کمتر و به صورت مکانیزه و دستی انجام می‌شود تا مسیرهایی که به دلایل گفته شده تا حدودی مسدود شده بودند، پاک‌سازی شود. شهردار منطقه ثامن در همین راستا به شهرآرامحله گفت: به منظور پیشگیری از آب‌گرفتگی‌های فصلی و جلوگیری از انسداد مسیرهای

اجرایی آن با بهره‌گیری از تجهیزات مکانیزه و نیروی انسانی متخصص، تحت نظارت مستقیم کارشناسان خدمات شهری و بارعایت کامل اصول ایمنی و زیست محیطی انجام شده است. عبدا...زاده تأکید کرد: ادامه این روند با هدف ارتقای بهداشت محیط در دستور کار قرار دارد.

آب رو و آمادگی برای فصل بارندگی، اداره خدمات شهری منطقه ثامن، عملیات گسترده لای روبی و شست و شوی کانال‌های منطقه را اجرا کرده است. حسین عبدا...زاده ادامه داد: در این عملیات، مجموعاً ۲ هزار و ۲۰۰ متر طول کانال در سطح منطقه پاک‌سازی و شست و شوی شد که فرایند

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۴۲۶۱۹۱۳ در پیام‌رسان ایتا بفرستید.

شما چه خبر

دعای ندبه در هفت حوض

دعای ندبه هیئت جوانان محرم این بار در فضایی متفاوت برگزار شد. جمعه گذشته جوانان محله بالا خیابان در اردویی نیم‌روزه به منطقه گردشگری هفت حوض رفتند و پس از مراسم دعای ندبه به پیمایش و کوهنوردی سبک پرداختند. اجرای مسابقات مهیج همچون دارت و طناب‌کشی نیز بخشی از این اردوی فرهنگی ورزشی بود.



مسابقات حفظ قرآن در بالا خیابان

مسابقه بزرگ حفظ، بصیرت و انس با دین مهدوی با حضور خواهران پایگاه مقاومت بسیج حضرت زینب (س) در مسجد صاحب‌الزمان (عج) برگزار شد. این دوره از مسابقات که با حضور پرشور بانوان بالا خیابان انجام شد، در هفت رشته از جمله حفظ سوره یس، سوره‌های جزء ۳۰، حفظ و قرائت دعای عهد و... برگزار شد و برندگان هر دوره انتخاب شدند. دوره بعدی مسابقات به زودی برگزار خواهد شد.

قرار عاشقی به عشق مادر

موسوی بانوان خیابان هانف، طبق قرار شب‌های جمعه، به نیت فرج امام‌زمان (عج) به سمت حرم مطهر امام رضا (ع) راهی می‌شوند. کاروان، قرار عاشقی، این بار با پرچم‌های سیاه و همراه با عزاداری برای حضرت زهرا (س) به سمت حرم مطهر به راه افتادند و نذر خود را با توسل به مادر اهل بیت (ع) به جا آوردند.



اردوی پاییزی

دانش آموزان هنرستان فنی و حرفه‌ای بصیرت، اردوی فرهنگی، تربیتی و آموزشی خود را در جشنواره پاییزه باغ گیاه‌شناسی گذراندند و با حضور مربیان دروس عملی، به عکاسی از غرفه‌های مختلف پرداختند. در این اردو که با همراهی شورای اجتماعی محله پایین خیابان و با حضور هنرجویان رشته‌های فتوگرافیک و گرافیک این هنرستان برگزار شد، دانش‌آموزان از غرفه‌های مختلف جشنواره به ویژه صنایع دستی بازدید کردند و با اجرای مسابقات و فعالیت‌های متنوع، خود را در بخش‌های مختلف هنری محک زدند.